



نماز جماعت با ایشان

روح الله حبیان

ISO 9002

می‌گیرد؛ یعنی یک امام و یک مأوم. در نماز جماعت امام و مأوم باید ویژگی‌هایی داشته باشند که لازم است به آن‌ها توجه شود؛ اما قبل از هر چیز باید بدانیم که نماز جماعت تنها در خصوص نمازهای واجب، اعم از اداء یا قضاء جایز است و در بین نمازهای مستحبی به جز نماز جمعه، نماز طلب باران یا استسقاء، نماز آیات و نماز عید فطر و قربان، سایر نمازهای مستحبی را به هیچ‌وجه نمی‌توان به جماعت خواند و انجام این عمل بدعت و حرام است. نظیر نماز طولانی «تراویح» که در عربستان در شب‌های ماه رمضان خوانده می‌شود و برخی حجاج ایرانی ندانسته به آن اقتدا می‌کنند.

چلوکباب با نیت نان و پنیر!

برای بسیاری از افراد، مسأله نیت در عبادات به خصوص در نمازها معضل عجیبی است و کافی است بگویید امشب فلان نماز مستحب است تا فوراً بپرسند نیت آن چیست؟ در حالی که مسأله نیت در عبادات، امری کاملاً ساده و عرفی است؛ در واقع، نیت عمل از دو بخش تشکیل می‌شود: یکی قصد تقرب و نزدیکی به خداوند که در هر عمل عبادی باید وجود داشته باشد و انسان از انجام عمل، خدا را قصد کند و دیگر آن که

ما، همین توفیق شرکت در نماز جماعت است، با ثوابی عظیم و برکات فردی و اجتماعی بالا که شکر بسیار می‌طلبید. البته یکی از ابعاد شکر این نعمت استفاده کامل و درست از آن است که لازمه آن شناخت درست و درمان مقررات و احکام خاص این عمل عبادی است که متأسفانه گاهی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از آن‌جا که به برکت این ماه عزیز بسیاری از مساجد و تکایا رونق بیشتری می‌گیرند و نماز جماعت در آن‌ها احیا می‌شود. ما هم به برخی از مسایل مبتلا به نماز جماعت می‌پردازیم.

مستحب واجب!

نماز جماعت به خودی خود عملی مستحب است، یا به تعبیر دیگر، شکل مستحبی انجام یک عمل واجب است. در واقع اگر ما نماز واجب خودمان را که به صورت تنها یا به اصطلاح «فردا» خوانده می‌شود، به صورت جمعی انجام دهیم و مسئولیت انجام بعضی از واجبات درونی نماز (مثل خواندن حمد و سوره) را به یک نفر از میان جمع واگذار کنیم یک نماز جماعت تشکیل داده‌ایم؛ این عمل به غیر از نماز جمعه (که طبق نظر اکثر مراجع جایگزین نماز ظهر می‌شود و لااقل به پنج نفر نیاز دارد) با وجود دو نفر هم شکل

«تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی» این مصرع معروف، ضرب‌المثلی شده برای بیان این حقیقت که انسان وقتی در نعمتی غرق است و رنج نداشتن آن را نکشیده، کم‌کم ارزش و ضرورت آن نعمت برایش کمرنگ می‌شود و چه‌بسا گاهی اصلاً یادش برود که چه نعمت عظیمی به این آسانی و فراوانی برایش فراهم است.

به هر حال، در زندگی ما انواع و اقسام این عنایات خاص خداوند وجود دارد که جا دارد دست‌کم با شکر زبانی، خداوند را به‌خاطر آن‌ها سپاس بگوییم؛ نمونه‌اش همین نعمت جلسات دینی و فضاهای مذهبی است که در بیش‌تر مناطق کشور وجود دارد و همین که شما بخواهید در مجلس عزای سیدالشهداء یا جلسات قرائت قرآن و یا جلسات شب‌های احیاء ماه مبارک رمضان شرکت کنید، به راحتی می‌توانید در مسجد محل یا هیأت‌های گوناگون شهر حاضر شوید و فیضی ببرید و یا اگر میل به حضور در اماکن زیارتی و مانند آن داشتید گزینه‌های گوناگونی پیش‌روی شماست. آیا این‌ها کم نعمتی است؟ قدر این نعمت‌ها را کسانی می‌دانند که در بلاد کفر زندگی می‌کنند و برای درک یک نماز جماعت باید کیلومترها راه بروند تا به یک مسجد کوچک و با محدودیت‌های بسیار برسند. بله؛ الحق و الانصاف یکی از این نعمت‌های بی‌نظیر

چه مرد تفاوتی ندارد، اما امام جماعت تنها در صورتی می‌تواند زن باشد که نمازگزاران همه زن باشند و امامت زن بر مرد صحیح نیست.

کسانی که با فرهنگ اسلامی آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که منشأ این گونه احکام، پایین‌تر دانستن جایگاه زن نسبت به مرد نیست، بلکه به حداقل رساندن توجه مردان به زنان است و مسلماً امامت زن بر مرد خواسته یا ناخواسته این توجه و جلب‌نظر به ویژگی‌های جسمی زن را در پی خواهد داشت؛ حتی این جلب توجه که در وجود مردان حقیقتی فطری و ذاتی است در صورتی که امام جماعت، زن محرم و حتی همسر مرد مأموم هم باشد، عامل اصلی از دست رفتن حضور قلب و توجه به حقیقت نماز خواهد بود.

اصولاً از احکام دیگری مانند قرائت آهسته نماز و هم چنین مستجاباتی که برای بانوان در هنگام نماز خواندن ذکر شده می‌فهمیم که وجه مشترک همه آن‌ها به حداقل رساندن جلوه‌گری، جاذبه‌ها و ویژگی‌های جسمی زنان است و از همین رو لازم است خواهران محترم برخی از این مستحبات را یاد گرفته و دست‌کم در هنگام نماز خواندن در مکان‌های عمومی مانند حرم‌ها که در منظر مردان است به کار ببندند.

موقعیت جغرافیایی

از نظر مکانی، وضعیت قرار گرفتن امام و مأموم در نماز جماعت دو جنبه مختلف دارد؛ از نظر عمودی از آن‌جا که امام جماعت باید از همه افراد نسبت به خداوند متواضع‌تر و خاکسارتر باشد نباید در محلی بالاتر از محل استقرار مأمومین قرار بگیرد، در نتیجه محل نماز امام جماعت یا باید مساوی با مأمومین باشد و یا پایین‌تر، البته باید توجه داشت که بالاتر ایستادن مأموم نسبت به امام جماعت تنها در حد متعارف مانند بالکن مساجد معمولی یا روی سقف مساجد قدیمی که فاصله زیادی با سطح حیاط مسجد ندارد جایز است و نمی‌تواند در طبقه پنجم ساختمانی که مشرف به صف جماعت است به جماعت متصل شد.



دسبیل بلند شد و نفس جمعیت را گرفت، حرکت شما برای برداشتن گوشی و خفه کردن این خروس بی محل باعث ایجاد مشکل در نماز جماعت شما می‌شود. البته این ممنوعیت مربوط به هنگام قرائت حمد و سوره است؛ اما در اوقاتی مانند خواندن تسبیحات اربعه که مسئولیت قرائت ذکر با خودتان است می‌توانید لحظه‌ای سکوت کرده و غائله را ختم نمایید و بعد به ادامه نماز پردازید.

قضا نماز صبح به ادا نماز عشاء

در نماز جماعت، هم‌خوانی نوع نماز امام و مأموم ضرورت ندارد در نتیجه می‌توان نماز قضای خود را به نماز ادای امام جماعت اقتدا کرد یا برعکس، و یا نماز ظهر را با نماز عصر امام جماعت خواند. هم‌چنین اگر انسان نمازش را فرادا خوانده باشد، می‌تواند همان نماز را دوباره به جماعت بخواند؛ اما در این میان توجه به چند نکته ضروری است:

اولاً: اگر امام جماعت در حال خواندن نماز احتیاطی است یعنی به هر دلیلی احتیاطاً نماز واجبش را دوباره می‌خواند، نمی‌توان به او اقتدا کرد مگر آن‌که در احتیاط مورد نظر تکلیف امام و مأموم مانند هم باشد مثلاً هر دو مسافرنده و احتیاطاً نمازشان را جمع می‌خوانند (یعنی هم نماز شکسته و کامل می‌خوانند).

ثانیاً: اگر امام جماعت در حال خواندن نماز قضاء است تنها در صورتی می‌توان به او اقتدا کرد که امام جماعت مشغول خواندن نماز قضای یقینی خود یا دیگری است و اگر به نیابت از یک فرد فوت شده نماز قضا می‌خواند هر چند او وصیت هم کرده باشد اما یقین ندارد که واقعاً نماز قضایی به گردن او بوده یا نه، نمی‌توان به او اقتدا کرد؛

ثالثاً: اگر امام جماعت مشغول خواندن نماز فرادا است و نیت جماعت هم نکرده می‌توان به او اقتدا کرد و ثواب جماعت را برد، حتی اگر بدانیم این فرد دلش نمی‌خواهد امام جماعت شود باز می‌توان به او اقتدا کرد به شرط آن‌که این کار ما موجب اذیت او نشود و مشکلات دیگری را به دنبال نداشته باشد.

در واقع برای شکل‌گیری جماعت نیاز نیست امام جماعت نیت جماعت داشته باشد بلکه نیت مأمومین برای اقتدا کافی است.

تفکیک جنسیتی

از نظر جنسیتی، مأموم در نماز جماعت چه زن باشد و

معین باشد چه عملی انجام می‌دهد؛ مثلاً فردی اول صبح برای خواندن نماز صبح بیدار می‌شود و وضو می‌گیرد و رو به قبله می‌ایستد؛ ولی برای نیت کردن به زحمت می‌افتد در حالی که همین قصد او برای خواندن نماز صبح برای خدا، همان نیت صحیح شرعی است و به تصریح رساله‌ها نه تنها به زبان آوردن نیاز ندارد بلکه حتی در دل گذراندن هم در آن لازم نیست، چون ممکن نیست شما برای خواندن نماز واجب‌تان رو به قبله بایستید و مثلاً نرمش کنید؟! مگر می‌شود شما مشغول خوردن چلوکباب بختیاری باشید، آن وقت نیت کنید که نان و پنیر می‌خورید؟

اما در نماز جماعت، افزون بر قصد قربت و تعیین نوع نماز، باید بدانید به چه کسی اقتدا می‌کنید یعنی یا خود امام جماعتی را می‌شناسید یا به طور کلی قصد کنید که به امام جماعتی که الآن جلو ایستاده، اقتدا می‌کنید. نتیجه این مسأله آن‌جا معلوم می‌شود که اگر مثلاً به نیت امام جماعت همیشگی به مسجد محل رفتید و بعد فهمیدید فرد دیگری امام جماعت بوده که اتفاقاً او هم شرایط امامت جماعت را دارد چون نیت شما فرد دیگری بوده طبق نظر برخی از مراجع، این نمازتان صحیح نخواهد بود و باید دوباره آن را بخوانید.

تقسیم کار شرعی

در ابتدا اشاره شد که در نماز جماعت، امام جماعت عهده‌دار خواندن حمد و سوره از طرف همه جمعیت می‌شود، در نتیجه، همه مأموم‌ها باید سکوت کرده و به قرائت امام گوش دهند و تنها در صورتی که صدای امام جماعت اصلاً به گوش‌شان نرسد، طبق نظر برخی از مراجع می‌توانند آهسته ذکر بگویند یا حمد و سوره را زمزمه کنند، اما مسئولیت قرائت سایر اذکار واجب غیر از حمد و سوره نماز برعهده خود افراد است.

نکته مهم در این مسأله آن است که اگر کسی در قرائت صحیح حمد و سوره مشکل دارد، لازم است در نماز جماعت شرکت کند. هم‌چنین اگر چه در برخی شرایط انسان می‌تواند قرائت خود را در نماز قطع کرده و حرکتی انجام دهد مثلاً چیزی را از زمین بردارد یا چند قدم جابه‌جا بشود و بعد دوباره به قرائت خود ادامه دهد؛ اما در نماز جماعت چون امام به نیابت از ما در حال قرائت است ما نمی‌توانیم حرکتی انجام بدهیم و باید در حالت سکون و طمأنینه واجب در نماز باشیم.

در نتیجه اگر بی احتیاطی کردید و موبایل خود را در حالت بی صدا قرار ندادید و از قضا وسط حمد و سوره صدای گوش خراش موسیقی هیپ هاپ آن با بلندی ۵۰



شیطان را صاف نمایید!!!

و اما قرائت

شرط دیگر امام جماعت آن است که قرائت نمازش صحیح باشد. در این باره هم باید توجه داشت که رعایت اعتدال و دوری از افراط و تفریط بهترین شیوه است و نباید بی دلیل دچار حساسیت و وسواس‌های بی جا شد؛ البته فرق کلیدی این مسأله با مسأله عدالت در این است که در این جا از باب قاعده فقهی «صحت کار مسلمان» حتی اگر امام جماعت آهسته هم نماز می‌خواند می‌توانید قرائت او را حمل بر صحت کنید و به او اقتدا نمایید و تحقیق و بررسی در صحت قرائت او هم ضرورتی ندارد؛ حتی اگر در صحت قرائت فردی دچار تردید شدید و احتمال دادید برخی کلمات را صحیح تلفظ نمی‌کند باز می‌توانید آن را حمل بر صحت کنید، اما اگر یقین داشتید امام جماعت قرائتش مطابق با قواعد قرائت و تلفظ صحیحی که در شرع لازم است، نیست دیگر نمی‌توانید به او اقتدا نمایید و نباید با توجیه و بی‌خیالی هم‌رنگ جماعت شوید؛ بلکه چه بسا در این موارد ارشاد و تذکر دادن به امام جماعت نسبت به اشتباهش از راه صحیح مانند تذکر کتبی و... هم لازم باشد.

را عادل می‌دانند و پشت سر هر کسی نماز می‌خوانند. این رفتار هم اشتباه است و نوعی بی‌مبالاتی نسبت به یک تکلیف مهم شرعی است.

چند نکته عدالت‌محور

۱. عدالت یک حالت درونی و نفسانی است که لازم است انسان در خود به وجود بیاورد، به عبارت دیگر، این حالت ویژگی اخلاقی و رفتاری است که با تلاش و زحمت به دست می‌آید و ذاتاً در نهاد انسان نیست، در نتیجه نمی‌توان گفت اصل بر این است که همه عدالت دارند و تا زمانی که خلافش ثابت نشد مشکلی نیست؛ بلکه اصل بر عدم عدالت است و باید دلیلی به وجود آمدن این حالت نفسانی را ثابت کند.

۲. اگر عدالت یک فرد برای ما ثابت شد، اما بعدها در باقی بودن این عدالت شک کردیم یا رفتار مشکوکی دیدیم می‌توانیم کماکان عدالت را برای او ثابت بدانیم و درباره رفتارهای مشکوک، مانند سخن گفتن او پشت سر دیگری، لازم است رفتار او را توجیه کرده، احتمال بدهیم که غیبت نبوده یا او کارش را غیبت نمی‌دانسته و... که البته این حمل بر صحت در مورد همه اشخاص لازم است چه امام جماعت و چه دیگری.

۳. برای اثبات عدالت در یک فرد راه‌های مختلفی وجود دارد، مانند شهادت دادن دو نفر عادل یا یقین پیدا کردن خود انسان از راه معاشرت و رفت‌وآمد با او و... اما نکته مهم آن است که درباره احراز عدالت امام جماعت تقریباً دو نظر در بین مراجع وجود دارد؛ برخی از مراجع، یقین پیدا کردن یا رسیدن به اطمینان در عدالت فرد را لازم می‌دانند، در نتیجه بدون آن، نمی‌توان به یک نفر اقتدا کرد. البته برخی دیگر از مراجع، حسن ظاهر و نشانه‌های ظاهری مانند رفتار و کردار درست ظاهری فرد را برای احراز عدالت او کافی می‌دانند و مثلاً اعتماد برخی از دین‌داران و افراد مسأله‌دان به یک فرد و اقتدا کردن آن‌ها به وی را در عدالت او کافی می‌دانند.

۴. اگر شما فردی را عادل دانستید و به او اقتدا کردید ولی بعدها فهمیدید عادل نبوده یا مشکل دیگری داشته حتی کافر بوده و در هر حال یقین داشتید نماز او باطل بوده، نمازهایی که قبلاً به او اقتدا کرده بودید صحیح است و مشکلی ندارد.

در عین حال اگر در جماعتی حاضر شدید و عدالت امام جماعت برای شما اثبات نشد گول شیطان را نخورید و نماز را افراد نخوانید بلکه به جماعت بپیوندید و احتیاطاً بعد از نماز جماعت افراداً هم نماز بخوانید و دهن

اما از نظر افقی مکان نماز خواندن مأموم نسبت به امام یا نسبت به دیگر مأموم‌ها که به واسطه آن‌ها به امام جماعت متصل است نباید از مقدار معینی دورتر باشد؛ البته تعابیر فقها در تعیین این مقدار متفاوت است اما فاصله‌ای در حدود ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر که مقدار یک گام بلند محسوب می‌شود تقریباً مورد توافق است. ناگفته نماند که از جهت عرضی، یعنی در مورد دو نفر که کنار هم در صف جماعت ایستاده‌اند، معیار ابتدا و انتهای این فاصله محل ایستادن دو نفر است اما از جهت طولی یعنی در تعیین فاصله با فرد جلویی یا امام جماعت، معیار، محل ایستادن فرد جلو با محل سجده فرد عقب یعنی جای مهر اوست.

بشرطها و شروطها

در فقه شیعه، امام جماعت باید دارای شرایط ویژه‌ای باشد، مانند: حلال‌زادگی، سلامت جسمی، حرمت اجتماعی و عدم سابقه محکومیت و اجرای حد شرعی به او و... که این مسایل و برخی دیگر از شروط مستحبی در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه بیان شده است، اما در این میان، دو شرط مهم بیش‌تر مورد توجه و البته دغدغه است و آن صحت قرائت نماز و عدالت امام جماعت است.

عادل؛ نه معصوم

از نظر فقهی، عدالت یعنی گناهکار نبودن زیرا در فرهنگ اسلام هر گناهی ظلم است، یا ظلم به خود و یا به دیگری و هر که از گناه و ظلم دوری کند عادل محسوب می‌شود؛ اما نکته مهم آن است که در این مسأله دچار افراط و تفریط نشویم. برخی از افراد آن‌قدر عدالت را دست‌نیافتنی می‌دانند که عملاً غیر از امام زمان (عج) کس دیگری را لایق امامت جماعت نمی‌شناسند.

گویا این افراد عدالت را با عصمت اشتباه گرفته‌اند. در واقع ما انسان‌ها ممکن است در طول زندگی گرفتار گناه شویم، چون معصوم نیستیم؛ اما این دلیل نمی‌شود که عدالت لازم برای امامت جماعت را نداشته باشیم؛ بنابر نظر فقها انسان عادل کسی است که عمداً و آگاهانه مرتکب گناهان کبیره نشود و نسبت به گناهان صغیره هم اصرار نداشته باشد؛ در نتیجه بسیاری از افراد مؤمن و متدین در زمره این گروه محسوب می‌شوند؛ در طرف مقابل هم برخی گرفتار تفریط هستند و هر کسی